

Study of Arabic Translation of *Her Eyes* According to Bremen's Deconstructive Method

Tayebeh Amirian*

Abstract

Translation criticism, based on the patterns of cognitive translations, is a criterion to describe the translation function in the target language by preserving literature and understanding the meaning of the source language. The validity of the translation of the novel will also be measured and represented with meticulous awareness of the shortcomings and its positive features according to the principles of translation evaluation models. Antone Breman, whose basis of his translational viewpoint is based on the source text, explains the twelve deforming tendencies between the source, target language named "deconstructive method" or "distortion factors". According to this theory, when the number of changing trends in the translation process is more significant, the translator has distorted the original text more. In this study, we want to consider the perspective of Bremen's deconstructive tendencies with respect to the alien text and foreign, Arabic translation called "Aynaha" by Ahmad Musa of "Her Eyes" written by Bozorg Alavi. The main focus of this research is to review the dominant trends in text change by translator mentioning to citing the evidence and proposed translation. Findings of the study confirm six trends of twelve Bremen deconstructive tendencies, and it claims that the translator, according to his own taste, has made changes in translation, and he was not loyal to the source text.

Keywords: Deconstructive Tendencies, Bremen, Bozorg Alavi, Her Eyes.

* PhD of Arabic Language and Literature, Kermanshah, Iran, taebemiryan@yahoo.com

Date received: 18/10/2020, Date of acceptance: 16/03/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

بررسی ترجمه عربی عیناها طبق الگوی ریخت‌شکنانه برمن

طیبه امیریان*

چکیده

ارزیابی ترجمه براساس الگوهای ترجمه‌شناختی معیاری برای توصیف کارکرد ترجمه در زبان مقصد با حفظ ادبیات و دریافت معنای زبان مبدأ است. اعتبار ترجمه یک اثر هم با آگاهی موشکافانه از کاستی‌ها و ویژگی‌های مثبت آن طبق اصول الگوهای ارزیابی ترجمه سنجیده و بازنمایی می‌شود. آنتوان برمن که مدار نظرگاه ترجمه‌شناسی وی بر متن مبدأ استوار است، از دوازده محور کژکارکردی میان زبان مقصد و مبدأ با نام *گرایش‌های ریخت‌شکنانه* یا «عوامل تحریف و تغییر» سخن به میان می‌آورد. طبق این نظریه، هرچه تعداد گرایش‌های تغییردهنده در فرایند ترجمه بیش تر باشد، به همان میزان مترجم متن اصلی را تحریف کرده است. در این پژوهش، با دیدگاه *گرایش‌های ریخت‌شکنانه* برمن مبنی بر احترام به متن بیگانه و دیگری، برگردان عربی رمان چشم‌هایش بزرگ علوی را با عنوان *عیناها* از احمد موسی بررسی شده است. تمرکز عمده این پژوهش بررسی گرایش‌های غالب تغییر متن به قلم مترجم با ذکر شواهد و ترجمه پیش‌نهادی است. یافته‌های پژوهش شش گرایش از دوازده مؤلفه ریخت‌شکنانه برمن را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که مترجم برحسب ذوق خویش و ناآشنایی با دامنه اطلاق واژه‌ها در زبان فارسی در ترجمه تصرفاتی کرده و به متن مبدأ وفادار نبوده است.

کلیدواژه‌ها: گرایش‌های ریخت‌شکنانه، برمن، بزرگ علوی، چشم‌هایش.

۱. مقدمه

ترجمه که عنوان یک عمل ارتباطی «بین‌زبانی» از حرفه‌ای‌ترین و هنری‌ترین ابزارهای تلاقی فکری و فرهنگی میان دو زبان شناخته شده، پیوسته بحثی محل مناقشه و کم‌وبیش آموزنده

* دکترای زبان و ادبیات عربی، کرمانشاه، ایران، taebhamiriyan@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۶



بوده است. در فرایند ترجمه، مترجم باهدف انتقال اندیشه یک ملت به ملت دیگر در تمام سطوح زبانی به صورت سامان‌یافته به سنجش و بازآفرینی تولیدات فکری با همه ملزومات هویتی زبان مبدأ اقدام به ترجمه می‌کند. با وصف این کارکرد، نظریه‌پردازان گستره ترجمه را «پردازش» و «بازنویسی» متن (Bremar 1999: 72) یا «عرصه بازی تولید فرهنگی که به مراتب دشوارتر از نگارش نخست است» دانسته‌اند (Haddadian 2014: 18). بنابراین، مترجم هراندازه در حوزه متن اصلی و متن ترجمه اندیشه، ساختار هنری، سازه معنایی، و هویت زبانی را رعایت کند به همان اندازه می‌تواند ترجمه‌ای امین و ملزم به هم‌سنجی زبانی متن اصلی ارائه دهد. این جاست که می‌توان گفت ترجمه رنگ‌وبویی از آفرینش دوباره اثر دارد و می‌تواند در ادبیات زبان مبدأ چون فرزندی خودی مأوا گزیند. اما این را هم باید پذیرفت که ترجمه به‌مثابه فرایند تلاقی زبان‌ها از عیب‌ونقص‌گریزناپذیر نیست. از این روی، نقد ترجمه یا ترجمه‌شناسی (translatology) با «نظریه‌های مبدأگرا که به مطالعه جنبه‌های بازآفرینی زبان مبدأ در تمام سطوح می‌پردازد» (Guidere 2008: 12) «اصلی‌ترین حلقه اتصال میان نظریه ترجمه و عمل ترجمه به‌شمار می‌رود» (نیومارک ۱۳۷۲: ۲۳۹). نقد ترجمه هم‌چنین راهی برای آشنایی بیش‌تر مترجمان با کژکارکردی‌های ترجمه و طبقه‌بندی آن‌ها و ارائه دیدگاه‌های مؤثر در حل مشکلات ترجمه و پرهیز از هر نوع تغییر و ریزش زبانی و معنایی از زبان مبدأ است. در همین ارتباط، در دوران معاصر نقد ترجمه و به‌طور خاص نقد ترجمه آثار ادبی به‌دلیل داشتن هسته‌های کلامی و سویه‌های معنایی بی‌شمار موضوعی مناقشه‌برانگیز، تأثیرگذار، آموزنده، و ادامه‌دار است. باین‌وصف، دریافت دلالت‌های معانی موجود در آثار ادبی و ترجمه آن‌ها از زبان مبدأ به زبان مقصد بدون خدشه‌واردکردن به صورت و معنای زبانی اثر کاری موشکافانه است. از همین روی، هریک از نظرگاه‌های نقد ترجمه به‌کندوکاو جنبه‌هایی از روند ترجمه در آثار ادبی می‌پردازند.

نظریه ترجمه ریخت‌شکنانه (deforming tendencies) یا «گرایش‌های ناسازگار» یا «سیستم تحریف متن» آنتوان برمن (۱۹۴۲-۱۹۹۱) در رابطه با فرایند ترجمه آثار ادبی در انتقال دو مقوله شکل و معنا و انتقال لذت و کارکرد ادبی متن به خواننده مبتنی بر رعایت دوازده اصل است که موجب سلامت ترجمه می‌شود. سلامت از این نظر که اثر ترجمه‌ای را با کم‌ترین تغییر و تحریف در شکل و سبک نویسنده مواجه می‌کند؛ زیرا به‌اعتقاد برمن «ترجمه یک بعد اخلاقی است که مترجم بایستی روح امانت و دقت را رعایت کند و نه یک شور ادبی و زیبایی‌شناسی» (Berman 2010: 12). البته نمی‌توان قاطعانه از برتری نظریه‌ای در ترجمه‌شناسی انواع متون ادبی سخن گفت، «اما می‌توان مرتبه‌ای بالاتر برای

نظرگاه‌های مبدأگرا مانند نظرگاه آنتوان برمن در نظر داشت، از آن جهت که پای شکل و معنا در میان است» (لطافتی ۱۳۹۲: ۱۱۶). برمن با ارائه سیستم‌های تحریف متن به فاصله میان متن مبدأ و متن ترجمه می‌رسد. به‌دیگرسخن، در نظرگاه انتقادی ترجمه‌ای برمن، «ترجمه نوعی نوشتار و انتقال معناست، و انتقال واقعی معنا فقط از دیدگاه اخلاقی سنجیده می‌شود» (Berman 1994: 17) و این رویکرد نظریه برمن دلیل اصلی انتخاب نویسنده برای تطبیق ترجمه مقصود در جستار حاضر است.

در تاریخ ادبیات معاصر شمار ترجمه‌ها از آثار ادبی مدرنیست فارسی از جمله رمان و داستان‌های کوتاه به زبان‌های بیگانه بنابه دلایل و ویژگی‌هایی هم‌چون سبک معنایی و زبانی خاص، تصویرپردازی، پیروی از الزامات داستان‌نویسی برای خلق فضاهای ادبی فردی و جمعی، و نیز خلق جهانی به‌خوداشارت‌گر با ورود به شاه‌راه‌های ادبیات داستانی جهان فزونی چشم‌گیری یافته و به همان میزان هم انتقادهای درخصوص کیفیت دقت و درستی ترجمه اثر براساس نظریه‌های مختلف ترجمه گسترش یافته است. رمان چشم‌هایش نوشته بزرگ علوی (۱۲۸۲-۱۳۷۵)، روزنامه‌نگار، استاد زبان و ادبیات فارسی، مترجم، و منتقد ادبی، از جمله داستان‌های جریان‌ساز و تأثیرگذار در ادبیات داستانی ایران است که در سال‌های اخیر توجه مترجمان خارجی را به‌خود جلب کرده است و تاکنون مترجمانی چون احمد موسی^۱ (۲۰۱۴) در مغرب، احمد حیدری (۲۰۱۶) در لبنان به زبان عربی، و جان اوکان (John O'kane) (۱۹۸۹) زیر نظر احسان یارشاطر در آمریکا به زبان انگلیسی آن را ترجمه کرده‌اند و توانسته است خوانندگانی را در فراسوی مرزهای ایران بیابد.

۱.۱ روش، اهمیت، و فرضیه پژوهش

نگارنده با تکیه بر دو روش کمی و کیفی به تحلیل داده‌های حاصل از تطبیق کامل ترجمه عربی احمد موسی با متن فارسی رمان می‌پردازد. بر این اساس، در پژوهش حاضر به‌صورت آماری پربسامدترین موارد انحرافی مترجم به‌صورت تقریبی، طبق مؤلفه‌های ریخت‌شکنانه نظریه آنتوان برمن، برای مقابله متن ترجمه با متن رمان بیان خواهند شد. پس از تحلیل کیفی نمونه‌ها، شیوه‌های انحرافی مترجم و تأثیر معنایی و ساختاری این انحرافات در ترجمه بیان خواهد شد. بنابراین مسئله سبب‌ساز جستار پیش‌روی این است:

۱. آیا مطابق مؤلفه‌های نظریه ریخت‌شکنانه یا انحرافی آنتوان برمن، احمد موسی در فرایند ترجمه وفادار به ساختار هنری و هویت زبانی رمان چشم‌هایش با تمام ملزوماتش بوده است؟

چنین می‌نماید که اعتبارسنجی کیفیت ترجمه عربی احمد موسی از رمان چشم‌هایش با نظرآوری مؤلفه‌های رویکرد مبدأ‌گرای برمن در وفاداری ترجمه‌اش قابل‌سنجش و تطبیق است.

۲,۱ پیشینه پژوهش

نظریه نقد ترجمه‌ای آنتوان برمن بر این باور است که در فرایند ترجمه متن باید اصالت و غریبگی‌اش را در زبان مقصد حفظ کند و مترجم از هرگونه تغییر چون حذف، اضافه، اطناب، و تغییر ساختار زبان در ترجمه متن اصلی پرهیز کند. مؤلفه‌ها و زمینه‌های این نظریه در آرای ناقدان و پژوهش‌گران خارجی و داخلی موردبررسی و موشکافی قرار گرفته است. آنتوان برمن برای نخستین‌بار در کتاب *The Experience of the Foreign: Culture and Translation in Romantic Germany* به تحلیل معتبر تئوری ترجمه در رمانتیسیم آلمانی می‌پردازد. او در یک مطالعه منظم از هدر، گوته، شلگل، شلایرماخر، و دیگران اهمیت نظریه ترجمه را برای درک فرهنگ عاشقانه آلمانی نشان می‌دهد. وی به گزینش لفظ مناسب از دیگری به فرهنگ معین، جوهره اثر هنری، اشاره می‌کند (Berman 1992). فرانچسکو کنی در مقاله «*Antoine Berman's Way-Making to Translation as a Creative and Critical Act*» با استفاده از طیف گسترده‌ای از آثار برمن تفکر وی را در مورد ترجمه فلسفه مدرن، به‌ویژه فلسفه هایدگر و گادامر، بررسی می‌کند. وی پس از بحث در مورد علاقه اولیه برمن به برداشته‌های رمانتیک آلمانی از زبان، شعر، و روش‌هایی که این سنت به مفهوم وی در ترجمه کمک کرده است به تحلیل استفاده برمن از تعبیر هرمنوتیکی برای زمینه نقد ترجمه به‌عنوان یک انتقاد سازنده و تعبیر دوباره توسط مترجم به‌عنوان یک موضوع می‌پردازد (Massardier-Kenny 2010).

از میان پژوهش‌گران ایرانی، مهدی‌پور هم در جستار «نظری بر روند پیدایش نظریه‌های ترجمه و بررسی سیستم تحریف متن، از نظر آنتوان برمن» با آوردن نمونه‌هایی اجمالی به بررسی رویکردهای چندگانه نظریل برمن به این نتیجه می‌رسد که مؤلفه‌های نقد ترجمه‌ای برمن کمال‌گرایانه‌اند و در عمل ترجمه چندان کاربردی ندارند (مهدی‌پور ۱۳۸۹).

پژوهش‌گر دیگر، مهران زنده‌بودی، در مقاله «از خود و دیگری و گرایش‌های تحریفی در گفتمان ترجمه‌شناسی آنتوان برمن تا ترجمه‌ناپذیری» علاوه‌بر بررسی گرایش‌های تحریفی ترجمه طبق نظر برمن به این نتیجه می‌رسد که دو مفهوم «خود» و «دیگری» به

مفهوم ترجمه‌ناپذیری ره‌نمون می‌شود (زنده‌بودی ۱۳۹۰). محمدرحیم احمدی در مقاله «آنتوان برمن و نظریه 'گرایش‌های ریخت‌شکنانه' معرفی و بررسی قابلیت کاربرد آن در نقد ترجمه» با بررسی ترجمه آثار فرانسوی به زبان فارسی به کاربردها و هم‌چنین موانع احتمالی کاربرد این نظریه در نقد ترجمه در ایران می‌پردازد (احمدی ۱۳۹۲).

رمان چشم‌هایش تاکنون از منظر رویکردهای گوناگون نقد روایت‌شناسی موردپژوهش‌های فراوانی واقع شده است که از آن جمله می‌توان به پژوهش «بررسی روایت در رمان چشم‌هایش از دیدگاه ژرار ژنت» نوشته محمد پاشایی (۱۳۹۴) گریزی زد که محقق از دیدگاه ژرار ژنت در تحلیل خط روایتی و ترتیب حوادث داستانی بهره جسته است، اما تاجایی که نویسنده این پژوهش اطلاع دارد، تاکنون درباره نقد و ارزیابی ترجمه عربی رمان طبق الگوهای ترجمه‌شناسی، چه در داخل و چه در خارج از کشور، پژوهشی خاص انجام نشده است. بر این اساس، بررسی ترجمه عربی چشم‌هایش طبق الگوی ریخت‌شکنانه برمن در نوع خود جدید به‌شمار می‌آید.

۲. خلاصه رمان چشم‌هایش

رمان چشم‌هایش حکایت از خودگذشتگی زنی زیبا از طبقه مرفه و ثروت‌مند به‌نام «فرنگیس» در حق یک هنرمند متعهد و مبارز به‌نام استاد «ماکان» است که هرگز از فداکاری آن زن در حق خویش آگاه نمی‌شود. استاد ماکان نقاش نامی، فعال، و مبارز سیاسی است که به‌صورت پنهانی علیه دیکتاتوری حکومت رضاشاه فعالیت می‌کند. در میان آثار استاد، یک پرده نقاشی متعلق به زمان تبعیدش بود که استاد با دست‌خط خودش زیر آن نوشته بود «چشم‌هایش» تصویرگر چشمان غریب زنی است که رازی را در خود نهان کرده است.

راوی رمان ناظم مدرسه و مدیر نمایشگاه آثار استاد ماکان پس از مرگش است. ناظم بسیار مشتاق است که راز چشم‌های این پرده استاد را دریابد. بنابراین، او سال‌ها تلاش می‌کند تا زن صاحب چشم‌های تابلوی نقاشی را بیابد که استاد آن را می‌شناخته و نقاشی کرده است و از چگونگی ارتباط او با استاد ماکان آگاه شود. پس از سال‌ها، ناظم مدرسه زن موردنظر را می‌یابد و در خانه او با هم گفت‌وگو می‌کنند. زن به او می‌گوید که او دختری از خاندانی ثروت‌مند بوده است و به‌سبب زیبایی‌اش مردان بسیاری به‌راحتی به او دل می‌بسته‌اند و زن هیچ توجهی به عشق آن‌ها نمی‌کرده یا آن‌ها را هم به‌بازیچه می‌گرفته است، اما استاد تنها کسی بود که توانست قلب او را تسخیر کند. کسی که توجهی

به زیبایی، ثروت، و موقعیت خانوادگی زن نداشت. زن شیفته شخصیت استاد می‌شود و برای جلب توجه استاد با تشکیلات مخفی سیاسی زیر نظر او همکاری می‌کند، اما استاد نه فداکاری‌های او را جدی می‌گیرد و نه احساسات و عشق او را به خود درمی‌یابد.

سرانجام استاد دست‌گیر می‌شود و زن به درخواست ازدواج سرهنگ آرام، رئیس شهربانی که از خواستگاران قدیمی او بوده است، به شرط نجات استاد از مرگ و تبعیدش به روستایی دور دست پاسخ مثبت می‌دهد. استاد به تبعید می‌رود و هرگز از فداکاری زن در حقلش آگاه نمی‌شود و در تبعید پرده «چشم‌هایش» را می‌کشد که تصویرگر چشم‌های زنی مرموز اما هوس‌باز و خطرناک را نمایان می‌کند. زن می‌داند که استاد هرگز او را شناخته است و این چشم‌ها از آن او نیست.

با اختصار می‌توان گفت که از نظر تاریخی و جامعه‌شناسی ادبیات، در رمان چشم‌هایش تصویر سستی و عرفی زن در ادبیات فارسی جای خود را به تصویر موقعیتی‌زنانی می‌دهد که هیچ شباهتی با معشوق آرمانی عاشقانه‌های ادبیات کلاسیک فارسی ندارند. این رمان از دو بخش کمابیش متمایز اما پیرامون هدفی مشخص شکل گرفته که طبق روایت رمان آن هدف توصیف یا شناختن یک زن ناشناس است یا به‌دیگر سخن، معرفی خود حقیقی زن به مردی است که سال‌ها در جست‌وجوی صاحب چشم‌های یک تابلوی نقاشی است. رمان چشم‌هایش به همان اندازه که از نظر سبک نوشتاری ساده، سلیس، و یک‌دست می‌نماید، از نظر زبانی دارای ساختار زبانی و ترکیب نحوی و معنایی در سطح بالاتری قرار دارد که فهم و حفظ لحن متن و سبک نویسنده در ترجمه اثر مهر تأییدی بر اعتبار ترجمه به‌منظور فهم و درک محتوای رمان برای خواننده در زبان مقصد است.

ترجمه احمد موسی از رمان چشم‌هایش نخستین ترجمه عربی رمان است و این امر دلیل اصلی انتخاب ترجمه برای ارزیابی و تطبیق آن با متن اصلی رمان نه به‌منظور جستن خطاهای لغوی، بلکه یافتن طنین معنایی و فرهنگی واژگان زبان متن مبدأ به اقتضای سرشت آن‌ها در زبان مقصد است. با بررسی ترجمه احمد موسی و تطبیق آن با متن فارسی رمان معلوم می‌شود که مترجم در ترجمه‌اش به خوبی توانسته است که از پیچ‌وتاب‌های زبانی و ادبی رمان عبور کند، گرچه ترجمه او به تعبیر برمن از کژکارکردها و ناسازگاری‌ها خالی نیست. به نظر می‌رسد، مترجم از برخی از عوامل تغییر متن در ترجمه رمان در امان نبوده است. بنابراین، با توجه به نظرگاه آنتوان برمن، به مقابله ترجمه عربی احمد موسی با عنوان عیناها با رمان چشم‌هایش مطابق الگوهای ریخت‌شکنانه برمن می‌پردازیم تا ببینیم چگونه انحرافات ترجمه‌ای مترجم در چهارچوب کلمات و مؤلفه‌های نظریه برمن گنجانده می‌شود.

۳. درآمدی بر نظریه ریخت‌شکنانه آنتوان برمن

آنتوان برمن، فیلسوف، منتقد ادبیات و فلسفه، تاریخ‌دان، و مترجم فرانسوی، از نظریه‌پردازان مبدأگرا در گستره ترجمه است که با نقد ترجمه مترجمان آثار کلاسیک و معاصر آلمانی و اسپانیایی مبانی نظری خود را در مقاله «ترجمه و آزمون دیگری» (“Translation and the Trials of the Foreign”) درباره ترجمه مبتنی بر دوازده الگو ارائه می‌دهد. برمن در این مقاله بر این باور است که «مترجم هرگز از عوامل تغییرشکل‌دهنده مبرا نیست؛ زیرا ساختار قومی هر فرهنگ و زبان هم‌چون سنت دیرینه چنین رویکردی آن‌ها را ذاتی هر ترجمه‌ای کرده است» (Breman 2000: 284).

برمن هرگونه «حذف، اضافه، تغییر در سبک نویسنده، تغییر ساختار زبان را تحریف متن اصلی می‌شمرد و از آن به‌عنوان سیستم تحریف متن یاد می‌کند» (مهدی‌پور ۱۳۸۹: ۵۸)؛ زیرا به‌اعتقاد وی «ترجمه عبارت است از ترجمه حرف، بدین معنا که متن به‌مثابه یک حرف است و حرف جوهر یگانه و نهایی ترجمه است» (ملیود ۲۰۱۷: ۳۹۳). گفته می‌شود برمن ارزشی فلسفی برای انتخاب کلمات هر دو نویسنده (خالق اول) و مترجم (خالق دوم) به‌ارمغان می‌آورد. وی معتقد است نظرگاهش جهان‌شمول است و قابلیت کاربرد در همه زبان‌ها را دارد. از این‌رو، بیش‌وی به ترجمه بر این مبناست که «دریافت متن ترجمه به‌عنوان متن بیگانه است» (ماندی ۱۳۸۹: ۳۲۴) و اثر ترجمه کنشی ادبی از مترجم و تولیدی نوشتاری در ادبیات زبان مبدأ به‌شمار می‌آید و احترام به بیگانه، متن بیگانه، و به‌غایت آن متن ضروری و حیاتی است. به همین منظور است که نظریه نقد ترجمه برمن باهدف نقد روش‌های غلط مترجم در نادیده‌انگاری «دیگری» از جمله فرهنگ و زبان دیگری در متن بیگانه سعی در ارائه ترجمه‌های قوم‌محور و معطوف به خواننده دارند (احمدی ۱۳۹۲: ۱۲). از دیدگاه برمن، «خیانت در ترجمه داستان و رمان در واقع یعنی عدم توانایی ارتباط با زبان بیگانه و زبانی که آن صورت (داستان) بیان‌گر آن است» (همان: ۳) و تغییر ریخت و شکل زبان اثر توسط مترجم است؛ زیرا این امر به‌نوعی نابودی و تحریف متن اصلی است.

در سیستم تحریف متن نظریه برمن، دوازده عاملی که سبب تحریف در ترجمه می‌شوند عبارت‌اند از «منطقی‌سازی»، «واضح‌سازی»، «تطویل یا اطناب کلام»، «تفاخرگرایی»، «غنازایی کیفی»، «غنازایی کمی»، «هم‌گون‌سازی متن»، «تخریب ضرب‌آهنگ»، «تخریب شبکه‌های دلالتی زیرین»، «تخریب سیستم زبانی»، «تخریب شبکه‌های زبان بومی»، و «تخریب عبارات و خاصگی‌های زبان».

از آنجایی که هیچ ترجمه‌ای نمی‌تواند به‌طور مطلق مبدأگرا یا مقصدگرا باشد ترجمه احمد موسی از رمان چشم‌هایش نیز از این اصل جدا نیست و به‌طور طبیعی حاوی کژکارکردهای ترجمه‌ای است که این انحرافات را طبق سیستم تحریفی متن آنتوان برمن روی ترجمه عربی در شش گرایش بررسی خواهیم کرد.

۱,۳ منطقی‌سازی (عقلایی‌سازی) / (la rationalization, rationalization)

برمن منطقی‌سازی را «تغییر جملات در یک نظم خاص که به تغییرات خاص در معنا منجر می‌شود»^۲ می‌داند (Breman 1999: 54). بدین ترتیب که مترجم با ایجاد تغییر در ساختار نحوی، ترتیب جملات موصولی و معترضه، و شیوه علائم سجاوندی متن مبدأ، و منظور نویسنده و تنها باتوجه به نظم گفتمان، چیدمان، و زنجیره کلمات متن مقصد عبارات و جملات را بازتولید می‌کند.

برمن معتقد است نثر، از قبیل رمان، به‌دلیل برخورداری از تکرار، تعدد جملات موصولی و معترضه، و جملات بلند و بدون فعل ساختاری شاخه‌شاخه دارد. مترجم با عقلانی‌سازی این ساختار شاخه‌شاخه را به ساختار خطی تبدیل می‌کند. بنابراین، هرگونه فاصله‌گیری از ساختار متن اصلی و تغییر در آن تحریف محسوب می‌شود (مهدی‌پور ۱۳۸۹: ۵۹). البته گاه مترجم این تغییرات را از سر ذوق و آزادانه، آن‌هم بدون در نظر گرفتن ماهیت اصلی رمان و ذهنیات نویسنده، ایجاد می‌کند؛ اما در هر صورت این کار به تغییراتی در ساختار نحوی و علائم نگارشی متن مبدأ می‌انجامد. در برگردان احمد موسی تقریباً سی نمونه از مؤلفه منطقی‌سازی یافت شده است؛ به این گونه که ارکان جمله در متن مبدأ را به همان صورت انتقال نداده و مترجم خود را ملزم به مراعات قواعد و ساختار نحوی رمان ندانسته است و تغییراتی در اجزای کلام و شیوه علامت‌گذاری ایجاد کرده است که از نظر برمن مترجم سعی در منطقی‌سازی آن‌ها دارد.

برای مثال، در عبارت: «من جرئت نمی‌کنم، حتی وقتی که تنها صورت او را در خاطره‌ام می‌بینم، بدی از او به‌زبان بیاورم» (علوی ۱۳۹۳: ۸۸). ترجمه: «أنا لا أجرؤ على أن أتفوه بكلمة سيئة في حقه، حتى حينما أكون وحيدة وأستحضر وجهه» (موسی ۲۰۱۴: ۱۲۵). جمله «حتى حينما أكون وحيدة وأستحضر وجهه» در متن اصلی جمله معترضه است که با علامت ویرگول ابتدا و انتهای آن معین شده است. این جمله کنایه از «شدت ترس و کمی جرئت»

است که برای توضیح بیش‌تر و تأکید معنای جمله قبل آمده است. اگر این جمله در انتها آورده شود، دیگر یک جمله اعتراضیه نیست، بلکه جمله‌ای ابتدائیه می‌شود که معنای تأکید از آن دریافت نمی‌شود. مترجم بدون توجه به عملکرد معنایی جمله و قصد نویسنده آن را در انتها آورده است. این درحالی است که مترجم با رعایت ساختار زبانی و نحوی و معنایی متن مبدأ و بدون پس‌وپیش کردن عبارات می‌تواند جمله‌ای سلیس و مطابق با ساختار و ارکان رمان به مخاطب ارائه دهد.

- ترجمه پیش‌نهادی: أنا لا أجزؤ، حتى حينما أكون وحيدةً وأستحضر وجهه في بالي، على أن أنفوه بكلمة سيئة في حقه.

نمونه‌ای دیگر: «میل کردم به هر قیمتی شده خودم بروم و این چشم‌های روی پرده را ببینم، تسلیم شدم» (علوی ۱۳۹۳: ۳۵). ترجمه: «أردتُ أن أذهبَ بنفسِي مَهْمَا كَلَّفَ الأَمْرُ وَأَشَاهِدُ العَيْنينِ اللتين فِي اللوحةِ اسْتَسَلَمْتُ» (موسی ۲۰۱۴: ۵۷)، ترتیب توالی عبارت‌ها در متن ترجمه‌شده رعایت نشده است. مترجم، بدون توجه به نقش جایگاه جمله معترضه تأکیدی «به هر قیمتی شده» در متن، ترجمه آن را در انتها آورده است. این جابه‌جا کردن توسط مترجم سبب تخریب ساختار زبان در متن مبدأ و بی‌توجهی به هدف و منظور معنایی نویسنده می‌شود.

- ترجمه پیش‌نهادی: أردتُ بَأَيِّ ثَمَنٍ أَنْ أذهبَ بِنَفْسِي وَأَشَاهِدُ العَيْنينِ اللتين فِي اللوحةِ، اسْتَسَلَمْتُ.

ترجمه عدد، جنسیت ضمایر، و مرجع آن‌ها از زبان مبدأ به زبان مقصد از جمله انحرافات است که مترجمان دچار آن می‌شوند. «از این روی، تصریح برای پیش‌گیری از به‌وجود آمدن ابهام بر اثر اختلاف در کاربرد ضمایر بسیار به مترجم سود می‌رساند» (Baker 1996: 180). از این روی، تصریح در ضمایر در ساخت‌های نحوی هر دو زبان فارسی و عربی به شفاف‌سازی و ابهام‌زدایی معنایی متن منجر می‌شود. در نمونه «همه از خودشان می‌ترسیدند» (علوی ۱۳۹۳: ۵)، ترجمه: «الْجَمِيعُ يَخْشَى نَفْسَهُ» (موسی ۲۰۱۴: ۱)، مترجم بدون در نظر گرفتن ضمیر مشترک «خودشان» که مرجع آن «همه» است در متن ترجمه هر دو ضمیر را به صورت مفرد و نه جمع ترجمه کرده است.

- ترجمه پیش‌نهادی: الْجَمِيعُ يَخْشَى أَنْفُسَهُمْ.

در جدول ۱ شماری از موارد منطقی‌سازی به‌شکل انحراف در رعایت‌نکردن علائم نگارشی و ترجمه ضمیر آورده شده است.

جدول ۱. نمونه‌هایی از تغییر ساختار نحوی و علائم نگارشی

شرح فارسی	برگردان عربی مترجم
گفتم: «ده بگوید!»	عَجِيبٌ قَوْلِي لِي!
پیراهن سبزی که بر تن داشت به او می‌آمد.	كَانَ الْفُسْتَانُ الْأَخْضَرَ مُوَاتِبًا لَهَا.
گوئی نادانسته می‌خواست به من توهین بکند.	كَأَنِّي بِهِ يُرِيدُ، غَيْرَ قَاصِدٍ أَنْ يُهِنَنِي
این‌ها مست هستند و اسباب اذیت مرا فراهم می‌کنند.	إِنَّهُمْ سُكَارَى، وَيَسْبَبُونَ لَنَا بِالْأَذَى
هنوز هم به من دل می‌بازند.	مَازَالُوا، إِلَى الْآنَ، يَسْقُطُونَ فِي حِبَالِ غِرَامِي

۲،۳ واضح‌سازی (شفاف‌سازی / la clarification, clarification)

مؤلفه واضح‌سازی در نظریه آنتوان برمن چنین تعریف شده است: «توضیح اصطلاحات مبهم متون منبع»^۳ (Bremann 1999: 55) یا گرایش به تعریف‌کردن یا معین‌کردن آنچه نویسنده می‌خواهد نامعین بماند (احمدی ۱۳۹۲: ۵) و نه آنچه مبهم است. هدف مترجم واضح‌کردن کلام نویسنده است و نه ابهام‌زدایی. تفاوت واضح‌سازی با ابهام‌زدایی در این است که ابهام‌زدایی از آن گفتار دارای ابهام و معانی متعدد است.

سبک نوشتاری علوی در رمان چشم‌هایش ساده و بی‌تکلف است. باوجوداین، در مقایسه متن فارسی این رمان با ترجمه عربی‌اش به مواردی برمی‌خوریم که حاکی از واضح‌سازی و توضیح نامعین مترجم در مواردی است که نویسنده خواسته است واضح نباشد. احمد موسی، بدون در نظر گرفتن فضای روایتی رمان و قصد نویسنده در ترجمه عربی، به واضح‌سازی‌های غیرضروری دست زده است.

در نمونه «آن‌ها همه به من می‌خندند، اما ته دلشان از من بیزارند» (علوی ۱۳۹۳: ۷۰)، ترجمه «إِنَّهُمْ يَحْتَقِرُنِّي جَمِيعُهُنَّ، مُتَزَعِجَاتٌ مَنِّي مِنْ أَعْمَاقِ قُلُوبِهِنَّ» (موسی ۲۰۱۴: ۱۰۱)، هدف نویسنده از آوردن فعل «خندیدن» اراده معنای کنایی تحقیر و تمسخر کردن است، اما مترجم آن را شفاف با ذکر فعل «يَحْتَقِرُنِّي» در ترجمه آورده است و با این کار به فهم راحت خواننده در معنای عبارت کمک می‌کند. چنین به نظر می‌رسد که بدون این شفاف‌سازی، علاوه بر جلوگیری از کژکارکردی و تحریف و تغییر ترجمه، خواننده خود با پی‌بردن معنای کنایی کلام نویسنده لذت بیش‌تری از خواندن می‌برد؛ زیرا به‌طور طبیعی خواننده با مطالعه رمان در جریان حوادث قبلی قرار می‌گیرد و می‌تواند به‌زیبایی معنای جملات را تشخیص دهد و مترجم تنها با تبعیت از متن اصلی ترجمه کند.

بررسی ترجمه عربی عیناها طبق الگوی ریخت‌شکنانه برمن (طیبه امیریان) ۱۳

در نمونه «درعین حال به اسم انگشت‌نگاری و امور پلیسی حقوقی هم از دولت می‌گرفت» (علوی ۱۳۹۳: ۱۸۲)، ترجمه: «وَفِي الْوَقْتِ نَفْسِهِ يَأْخُذُ رَاتِبًا مِنَ الدَّوْلَةِ لِقَاءَ مُزَاوَلَتِهِ الْمُهَامَ الْبُولِيسِيَّةَ وَالْمُخَابَرَاتِيَّةَ» (موسی ۲۰۱۴: ۲۵۶)، مترجم علاوه بر این که ترکیب «به اسم انگشت‌نگاری» را ترجمه نکرده است، وی کاملاً به شیوه‌ای تفسیری و توضیحی ترکیب «امور پلیسی حقوقی» را به «المهام البوليسية والمخابراتية» برگردانده است. این درحالی است که نویسنده خواسته است به صورت ضمنی و نه مستقیم به معنای «جاسوسی» اشاره کند.

- ترجمه پیش‌نهادی: فِي الْوَقْتِ نَفْسِهِ، كَانَ يَأْخُذُ رَاتِبًا بِاسْمِ بَصْمَةِ الإصْبَعِ وَالْمُهَامِ الْبُولِيسِيَّةِ مِنَ الدَّوْلَةِ.

گرایش مترجم به شفاف‌سازی در ترجمه رمان بسامدی برابر ۲۶ مورد داشته است که جدول ۲ نمونه‌های دیگری را نشان می‌دهد.

جدول ۲. نمونه‌هایی از واضح‌سازی

شرح فارسی	برگردان عربی مترجم
من با هیچ‌کس محرم نیستم.	لَا تَرْتَبِنِي عِلَاقَةً عَمِيَّةً بِأَحَدٍ.
نوشتن شرح زندگانی استاد برای بسیاری ناندانی شده بود.	بَاتَ تَأْلِيفُ كُتُبٍ عَنْ سِيرَةِ الْأَسْتَاذِ مَجَالًا لِكَسْبِ الرِّزْقِ يَطْرُقُهُ الْكَثِيرُونَ.
مثل این که یک زن هر جایی می‌خواهد تقلید درآورد.	كَأَنَّمَا إِمْرَأَةٌ عَاهِرَةٌ تَقُومُ بِتَقْلِيدِ إِمْرَأَةٍ أُخْرَى.
سگ کی باشن؟ مگه شهر هرته؟	الْكَلَابُ مَنْ يَكُونُونَ؟ هَلْ يَحْسُبُونَ أَنَّ الْمَدِينَةَ الْفَوْضَى وَلَا نِظَامَ فِيهَا؟
کیف می‌کردم آن‌ها را بجزانم.	كُنْتُ أَتَلَذُّ بِتَعْذِيبِهِمْ وَإِنَارَةَ غَضَبِهِمْ.

۳,۳ تطویل (اطناب کلام / allongement, expansion)

تعریف برمن از مؤلفه اطناب در نظرگاهش چنین است: «تولید متن‌های طولانی‌تر از متن‌هایی که اصلی هستند در نتیجه منطقی‌سازی» و «واضح‌سازی» (Bremner 1999: 56). بنا بر این گفته است که اگرچه برمن اطناب در ترجمه را حاصل دو گرایش منطقی‌سازی و شفاف‌سازی می‌بیند، غرض وی از اطناب اضافاتی است که مترجم بنابه سلیقه خود به متن ترجمه می‌افزاید، بدون آن که جان متن را غنایی ببخشد و به بار معنایی و گفتمانی آن بیفزاید. از این رو، تنها سبب انباشتن حجم کلمات می‌شود که می‌توان آن را نوعی «حشو»

دانست. بررسی‌های به‌عمل‌آمده تعداد ۳۵ مورد از مؤلفه‌های اطناب در ترجمهٔ رمان به‌صورت‌های مترادف، باهم‌آیی، و گاه توضیح‌نشان می‌دهد. از جمله «باوجود تمام انتظاری که داشتم» (علوی ۱۳۹۳: ۳۳). ترجمه: «عَلَى الرَّغْمِ مِنْ كُلِّ الْإِنْتِظَارِ وَ التَّرْقُبِ الذی کانَ لَدَى» (موسی ۲۰۱۴: ۵۵). مترجم دو واژه «الانتظار وَ التَّرْقُب» را در برگردان تک‌واژه «انتظار» قرار داده است. واژه «انتظار» در هم‌نشینی با دیگر واژگان جمله معنای «چشم‌داشت» می‌دهد که مترجم ترجمهٔ آن را به «الانتظار وَ التَّرْقُب» متشکل از دو کلمه در قالب نظام عطف گنجانده است تا به این نحو وجوه معنایی موجود در کلمهٔ انتظار را دربر بگیرد. این درحالی است که واژه «التَّرْقُب» علاوه‌بر انتظار برای رسیدن به نتیجهٔ مطلوب معنای تعلیق و انتظار هم‌راه با ترس را هم می‌دهد.

- ترجمهٔ پیش‌نهادی: عَلَى الرَّغْمِ مِنْ كُلِّ الْإِنْتِظَارِ الذی کانَ لَدَى.

در نمونه «تف به روی کسی که ادا درمی‌آورد!» (علوی ۱۳۹۳: ۴۵)، ترجمه «سَأْبُصُقُ فِي وَجْهِ مَنْ يَتَظَاهَرُ وَيَقُومُ بِتَمَثِيلِ الْأَدْوَارِ» (موسی ۲۰۱۴: ۷۰) «ادادراوردن» یعنی «به‌تصنع‌حالتی چون خشم و کراهت و مانند آن نمودن» و هم به‌معنای شکل‌کدرآوردن و به‌تمسخر تقلید کسی را درآوردن است (لغت‌نامه ۱۳۷۷: ج ۱، ذیل مدخل «ادادراوردن»). با این توجه، مترجم دو ترجمه «يَتَظَاهَرُ وَيَقُومُ بِتَمَثِيلِ الْأَدْوَارِ» را به‌صورت معطوف برای فعل «ادادراوردن» آورده است. این درحالی است که «ادادراوردن» در متن، با توجه به فضای داستان، معنای «وانمودکردن و تظاهرکردن» است. این اطناب در ترجمه از آن جهت پدید آمده است که مترجم دو وجه معنایی به‌صورت مترادف و معطوف برابر «ادادراوردن» در زبان عربی را ذکر کرده است، درحالی‌که تنها آوردن یکی از آن دو کافی می‌نمود.

- ترجمهٔ پیش‌نهادی: سَأْبُصُقُ فِي وَجْهِ مَنْ يَتَظَاهَرُ.

گاه اطناب در ترجمهٔ احمد موسی در قالب باهم‌آیی و هم‌نشینی واژگان مترادف است که ترکیب‌های موزون در کلام را سبب می‌شود. در نمونه «نباید تصور کرد که رجال دوران دیکتاتوری هنرپرور بودند» (علوی ۱۳۹۳: ۲۰)، ترجمه «يَنْبَغِي أَلَّا نَتَّصَوَّرَ أَنَّ رِجَالَ الْعَهْدِ الدِّيْكَتَاتُورِي كَانُوا مُحِبِّينَ لِلْفَنِّ وَ أَهْلِهِ» (موسی ۲۰۱۴: ۳۸)، مترجم دو کلمه «الْفَنِّ وَ أَهْلِهِ» را در برابر واژه «هنرپرور» به‌کار برده است. نخست باید گفت در زبان فارسی ترکیب‌هایی چون «هنرپرور، هنردوست، هنرمندپرور، و...» بی‌شمارند و به‌طور طبیعی برای هریک از آن‌ها در زبان عربی معادل‌هایی یافت می‌شود. دوم آن‌که این اطناب برخاسته از هم‌آیی معنایی کلمات است. البته هرچند برمن این موارد از اطناب را در زمرهٔ آراسته‌سازی می‌داند

که در آن متن برای خدمت به معنا و فرمی زیباتر به شکل فاخرتر و والاتری از نظر ادبی درمقابل متن مبدأ برگردان می‌شود (فرهادی و دیگران ۱۳۹۶: ۴۳).

- ترجمه پیش‌نهادی: *يَنْبَغِي أَلَّا نَتَّصِرَ أَنَّ رِجَالَ الْعَهْدِ الدِّيَكْتَاتُورِي كَانُوا مُحِبِّينَ لِلْفَنِّ.*

در مثال «اتومبیل‌ها بی‌حیا بوق می‌زدند و شور و شر زندگانی را به رخ من می‌کشیدند» (علوی ۱۳۹۳: ۵۶)، ترجمه: «السَّيَّارَاتُ تُطَلِّقُ الْعِنَانَ لِأَبْوَاقِهَا دُونَ حَيَاءٍ أَوْ خَجَلٍ، وَ تُعَيِّرُنِي بِفُورَةِ الْحَيَاةِ وَ غَلِيَانِهَا» (موسی ۲۰۱۴: ۸۳)، استفاده از دو واژه «دُونَ حَيَاءٍ أَوْ خَجَلٍ» باتوجه‌به ترادف و هم‌نشینی معنایی نزدیکی که دارند متن ترجمه را خلاق‌تر کرده است، اما از آن‌جاکه متن حاضر از گونهٔ رمان است، لازم نیست مترجم ترجمه‌اش را زیباتر و خیال‌انگیزتر از متن اصلی کند. بنابراین، بهتر است مترجم سعی در انتقال معانی و زیبایی موجود در متن داشته باشد تا ترجمه با اطنابی که آنتوان برمن آن را جزء موارد انحرافی و تغییر در ترجمه می‌داند، دچار اختلال نشود. ازسویی دیگر، با بررسی هم‌نشینی واژه «بی‌حیا» در متن فارسی معلوم می‌شود که آن به معنای «ملاحظه‌نکردن و بی‌تفاوتی» است و مترجم اصلاً این معنا را مدنظر قرار نداده است.

- ترجمه پیش‌نهادی: *السَّيَّارَاتُ تُطَلِّقُ الْعِنَانَ لِأَبْوَاقِهَا دُونَ مُبَالَاتٍ، وَ تُعَيِّرُنِي بِفُورَةِ الْحَيَاةِ وَ غَلِيَانِهَا.*

جدول ۳. نمونه‌هایی از اطناب

شرح فارسی	برگردان عربی مترجم
و به او بگویم که دیگر اختیار از کف من دارد درمی‌رود.	وَأَقُولُ لَهُ إِنَّ الْأَمْرَ اسْتَعْسَرَ عَلَيَّ وَإِنِّي أَفْقِدُ الْقُدْرَةَ فِي السَّيْطِرَةِ عَلَيَّ نَفْسِي.
هرچه اسم او از زبان‌ها پیش‌تر می‌افتد احترام من به او بیش‌تر می‌شود.	كَلَّمَا كَانَتْ الْأَلْسُنُ تُتَلَفَّظُ بِاسْمِهِ وَ تَلْهَجُ بِذِكْرِهِ يَزِدَادُ إِحْتِرَامِي لَهُ.
به عقیده آن‌ها کاری ندارم. اما بالأخره حرف حسابی سرشان می‌شود و مثل گوسفند علف‌چرانی نمی‌کنند.	لَا تُهْمُنِي قَنَاعَتُهُمْ، لَكِنَّمْهُمُ يُدْرِكُونَ الْمَنْطِقَ الصَّحِيحَ، وَ لَمْ يَكُونُوا يَجْتَرُونَ الْكَلَامَ كَمَا تَجْتَرُ الْخِرْفَانُ الْعَلْفَ.
کیف می‌کردم آن‌ها را بجزانم.	كُنْتُ أَتَلَذُّ بِتَعْدِيهِمْ وَ إِثَارَةِ غَضَبِهِمْ.

۴,۳ تفاخرگرایی (آراسته‌سازی / *l'ennoblement, ennoblissement*)

برمن تفاخرگرایی را در نظم «شاعرانه‌سازی» و در نثر «بلیغ‌سازی» می‌نامد و آن را تولید جملات فاخر با بهره‌گرفتن از متن اصلی به‌متابۀ «مادهٔ خام» تعریف می‌کند. به‌گفتهٔ وی،

تفاخرگرایی به دلیل «ایجاد تغییر در سبک نویسنده برای مقاصد زیباشناسی است و این گرایش در قله ترجمه ترجمه‌های افلاطونی به دست می‌دهد» (Bremar 1999: 56). برمن تفاخرگرایی را گرایشی «افلاطونی» می‌داند که آن نتیجه کار مترجمانی است که متن مقصد را از جنبه ساختار و زبان زیباتر از متن اصلی درمی‌آورند. در تفاخرگرایی، مترجم سبک و فرم اصلی را برهم می‌ریزد و سبکی نو خلق می‌کند که به نفع متن اصلی نیست (احمدی ۱۳۹۲: ۷).

در مقابله رمان چشم‌هایش با متن ترجمه‌شده به مواردی برمی‌خوریم که مترجم برای زیباتر نشان دادن ترجمه از لحاظ زبانی به سطحی پایین‌تر و گاه به سطحی بهتر از متن اصلی دست می‌یابد. هرچند این کار سبب تغییر در فرم و سبک داستان و معنا می‌شود؛ موارد تفاخرگرایی‌ای که از سر ذوق و تمایل مترجم به آراسته‌سازی نشئت می‌گیرد، در ترجمه احمد موسی دیده می‌شود که از آن‌ها به عوامل تغییر در متن ترجمه می‌توان نام برد.

در جمله «مسلم بود این زن برای خاطر پرده چشم‌هایش» به حرف خواهد آمد (علوی ۱۳۹۳: ۴۳)، ترجمه «كَانَ وَاضِحًا أَنَّ هَذِهِ الْمَرَأَةَ سَتَفْتَحُ قَفْلَ لِسَانِهَا بِسَبَبِ لَوْحَةِ عَيْنَاهَا» (موسی ۲۰۱۴: ۶۷)، مترجم برای عبارت «به حرف خواهد آمد» معادل عامیانه و محاوره‌ای عربی «سَتَفْتَحُ قَفْلَ لِسَانِهَا» را که انتخابی زیباتر از متن فارسی است استفاده کرده است؛ به نظر می‌رسد که بهتر بود مترجم از معادل «سَتَتَحَدَّثُ» استفاده می‌کرد؛ چون علاوه بر نزدیک‌تر بودن به متن فارسی، ترجمه گرفتار عامیانه‌نویسی نمی‌شد.

در نمونه زیر، مترجم سبک زبانی ترجمه‌ای که به جهت زیبایی بخشیدن به معنا به کار برده است، بالاتر از سطح متن اصلی است.

در «می‌توان گفت که استاد کم‌کم دارد فراموش می‌شود» (علوی ۱۳۹۳: ۲۶)، ترجمه «يُمْكِنُ الْقَوْلُ إِنَّ الْأُسْتَاذَ بَدَأَ تَدْرِيجًا يَدْخُلُ عَالَمَ النِّسْيَانِ» (موسی ۲۰۱۴: ۶۶)، گزینش برگردان «يَدْخُلُ عَالَمَ النِّسْيَانِ» به جای «فراموش می‌شود» از لحاظ زبانی و زیباشناسی آراسته‌تر از متن فارسی است و ساختاری ادبی‌تر را در ذهن خواننده تداعی می‌کند.

- ترجمه پیش‌نهادی: يُمْكِنُ الْقَوْلُ إِنَّ الْأُسْتَاذَ بَدَأَ تَدْرِيجًا يُنْسَى.

دیگر آن‌که در جمله «به زور خودم را نگه داشتم» (علوی ۱۳۹۳: ۳۰)، ترجمه «حَافِظْتُ عَلَيَّ رِبَاطَةَ جَاشِي بِصُعُوبَةٍ» (موسی ۲۰۱۴: ۵۱)، مترجم معادلی زیباتر از متن اصلی استفاده کرده است.

احمد موسی اصطلاح «حَافِظْتُ عَلَيَّ رِبَاطَةَ جَاشِي» را که کنایه از خویشتن‌داری و صبرورزیدن است به متن افزوده است و متن ساده فارسی را که عاری از هرگونه

بررسی ترجمه عربی عیناها طبق الگوی ریخت‌شکنانه برمن (طیبه امیریان) ۱۷

ضرب‌المثل و اصطلاح است، به‌بیانی زیباتر به زبان عربی ترجمه کرده است، به‌طوری‌که مترجم با گزینش معادل بالا به ترجمه‌اش رنگ‌وبوی زبان عربی بخشیده است. برای پرهیز از تفاخرگرایی شاید انتخاب یک معادل در سطح معمول گفتار مناسب‌تر باشد.

- ترجمه پیش‌نهادی: حَافِظْتُ عَلَيَّ نَفْسِي بِصُعُوبَةٍ.

جدول ۴. نمونه‌هایی از تفاخرگرایی

شرح فارسی	برگردان عربی مترجم
خنده دروغی کرد.	رَسَمَ عَلَيْهَا إِبْتِسَامَةً كَاذِبَةً.
من غافل گیر شدم.	لَقَدْ أَخَذْتُ عَلَيَّ حِينَ غَرَّةٍ.
انقلاب روحی مرا ادراک نکند.	وَأَلَّا يُدْرِكَ الثُّورَةَ الَّتِي اسْتَعْرَتْ فِي رُوحِي.
بیا و ازدها را در زندگی اجتماعی مردم ایران بکش.	فَأَقْتَلِي الْوُحُوشَ الَّتِي تَجْتُمُّ عَلَيَّ قُلُوبَ النَّاسِ فِي إِيْرَانِ.
رنگش پریده بود.	كَانَ وَجْهَهَا قَدْ عَلَاةَ الْإِصْفَرَارُ.

۵,۳ غنازدایی کیفی (تضعیف کیفی) / P'appauvrissement qualitatif, (amelioration qualitative)

برمن این گرایش ریخت‌شکنانه را چنین تعریف می‌کند: «عدم توانایی پیداکردن عبارات معادل در زبان مقصد از لحاظ غنای غریزی یا ادبی» (Berman 1999: 57).

این نوع تحریف از جای‌گزین کردن کلمات، اصطلاحات، و پیچ‌وخم جملات با کلمات و اصطلاحاتی که از لحاظ غنای معنایی، آوایی، و طنین کلمات در سطح واژه مبدأ نیستند شکل می‌گیرد (مهدی‌پور ۱۳۸۹: ۶۰). با جای‌گزین کردن اصطلاحات معادل زبان مقصد در کل سبب تخریب گفتمان متن اصلی می‌شود (همان: ۶۲). از این روی، به‌نظر منتقدان این گرایش تحریفی نظریه برمن یکی از دشوارترین جنبه‌های ترجمه و در بسیاری از موارد اجتناب‌ناپذیر به‌شمار آید.

در مثال «بی‌گدار به آب می‌زدم» (علوی ۱۳۹۳: ۱۴۹)، ترجمه «وَأَعْبُرُ الْمَاءَ دُونَمَا مَعْبِرٍ» (موسی ۲۰۱۴: ۲۰۹)، احمد موسی برای ضرب‌المثل «بی‌گدار به آب‌زدن» معادل مناسبی گزینش نکرده است و از لحاظ معنایی متن را تحریف کرده است. البته پرهیز از این تحریف متن از یک‌جانب، باتوجه‌به گوناگونی فرهنگی دو زبان فارسی و عربی، امری دشوار است و از جانب دیگر هر زبانی اصطلاحات زبانی و معنایی خاص خود را دارد و معادل‌سازی نکردن آن‌ها در فرهنگ مقصد امری پذیرفته نشده است.

- ترجمه پیش‌نهادی: كُنْتُ أَتَصَرَّفُ بِتَهَوُّرٍ.

در جمله «دماغ مرا سوزاند» (علوی ۱۳۹۳: ۶۸)، ترجمه «لَقَدْ أَثَارَ غَضَبِي» (موسی ۲۰۱۴: ۹۸)، ضرب‌المثل «دماغ کسی را سوزاندن» کنایه است از کسی را قرین شکست و ناکامی کردن (لغت‌نامه ۱۳۷۷: ج ۳، ذیل مدخل «دماغ کسی را سوزاندن»). احمد موسی در وهله نخست معنای کنایه آن را متوجه نشده است و از آن معنای «خشم کسی را برانگیختن» برداشت کرده است. در نتیجه، در ترجمه آن دچار اشتباه و انحراف شده است.

- ترجمه پیش‌نهادی: بَدَأُ فِي مُضَايِقَتِي.

بسامد گرایش غنازدایی کیفی در تطبیق ترجمه احمد موسی با متن رمان بیش از پنجاه مورد است.

جدول ۵. نمونه‌های غنازدایی کیفی

شرح فارسی	برگردان عربی مترجم
کارگاه او جمع پریشان بود.	كَانَ مَرَسْمُهُ جَامِعًا لِكُلِّ النَّاسِ.
سرهنگ آرام از آن ناتواست و باید باش ساخت.	أَنَّ الْعَقِيدَ آرَامَ مِنْ أَوْلِيكَ الْغَرِيبِينَ الَّذِينَ يَجِبُ التَّكْيِيفُ مَعَهُمْ.
قرص جواب دادم.	أَجِبْتُ مُتْلَعِمَةً.
برای من آسمان ریسمان می‌بافی؟	أَتَتَّرَنِينَ؟
موی دماغ من می‌شد.	تَدَخَّلَ فِي كُلِّ شَيْءٍ.
بالآخره فهمید که سرشته‌ای در دست من هست.	فَهَمْتُ ذَخِيرًا أَنْ رَأْسَ الْخَيْطِ بِيَدِي أَنَا.

۶,۳ غنازدایی کمی (تضعیف کمی) / P'appauvrissement quantitative, (quantitative impoverishment)

عبارت است از تخریب (کاهش) یا هدررفتن واژگانی تدریجی که به بافت لغوی اثر آسیب می‌رساند. به تعبیر دقیق‌تر، از برمن عامل غنازدایی کمی موجب «ایجاد ضایعات واژگانی در متن هدف می‌شود» (Breman 1999: 57).^۶

برمن معتقد است که گاهی برای یک مدلول چندین دال وجود دارد و انتخاب یک دال به غنازدایی کمی منجر می‌شود (مهدی‌پور ۱۳۸۹: ۴). از این‌رو است که مترجم برای چند واژه تنها یک معادل ارائه می‌دهد که این امر سرانجام به ریزش و تخریب لغتی یک متن منتهی می‌شود. هم‌چنین، گاهی تخریب تدریجی می‌تواند ترجمه‌نکردن بخشی از متن مبدأ

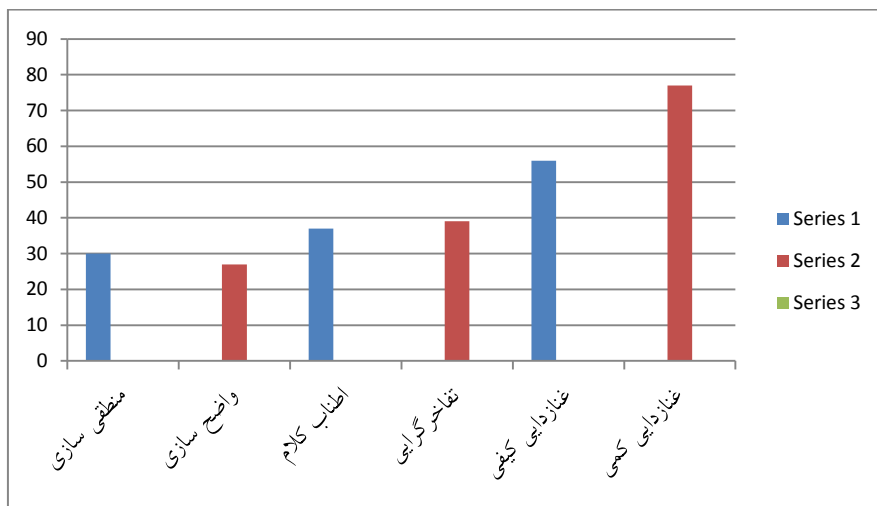
در متن مقصد باشد. در این صورت، بخشی از گویایی متن از دست می‌رود و به تحریف و تضعیف متن منجر می‌شود.

در جمله «چشم‌هایش را به روی زمین دوخته بود» (علوی ۱۳۹۳: ۸۴)، ترجمه: «كَانَتْ عَيْنَاهَا مُحَدِّقَتَيْنِ إِلَى غِطَاءِ الطَّائِلَةِ» (موسی ۲۰۱۴: ۱۲۰)، مترجم در برابر واژه «زمین» معادل «غِطَاءِ الطَّائِلَةِ» را آورده است و ترجمه‌ای غیر از معنای اصلی واژه متن مبدأ آورده است که براساس نظریه برمن در ترجمه متن تحریف یا همان غنازدایی کمی صورت گرفته است.

نمونه‌ای دیگر از غنازدایی کمی در جمله «زنک معطل نشد و گفت: بفرمایید تو» (علوی ۱۳۹۳: ۵۷)، ترجمه «لَمْ تَتَأَخَّرِ الْمَرْأَةُ وَقَالَتْ: تَفَضَّلْ إِلَى الدَّاخِلِ» (موسی ۲۰۱۴: ۸۵) است. واژه «زنک = زن + ک تحقیر و توهین، تحسین، ترحم و دل‌سوزی، تفضیم، و تعظیم» دارای معانی مختلفی از جمله «زن پست، زن مظلوم، زن کوچک» است و واژه «المرأة» تنها به معنای «خانم» است. مترجم برای ترجمه این واژه تنها یک معنای «زن» را آورده است و ترجمه «زن + ک ترحم» را در ترجمه اساساً فرو گذاشته است. شمار گرایش‌های غنازدایی کمی در ترجمه احمد موسی بیش از هفتاد مورد بوده است.

جدول ۶. نمونه‌های غنازدایی کمی

شرح فارسی	برگردان عربی مترجم
تمام حالت در لیختدیست که دور لبان او پرپر می‌زند.	كَانَتْ حَالَتُهُ كُلُّهَا تَعَكِّسُهَا إِتْسَامَةً.
این را دیگر می‌دانست. خود را باخته بودم. دیگر لو رفته بودم. حالا او بر من تسلط دارد.	كَانَ يَعْلَمُ هَذَا، لَقَدْ انْكَشَفَ أَمْرِي، وَ الْآنَ هُوَ مَنْ يُسَبِّطُ عَلَيَّ.
از زیرچشم متوجه تمام حرکات او بودم.	رَأَيْتُ حَرَكَاتِهَا.
اساساً این مرد علاقه به تدریس داشت.	لَمْ تَكُنْ لِهَذَا الرَّجُلِ رَغْبَةً فِي التَّدْرِيسِ فِي الْأَسَاسِ.
آخر این یک سنگلاخ پرخطری است.	إِنَّهَا أَرْضٌ صَخْرِيَّةٌ.
و من مجبور بودم دست‌به‌عصا بروم - اما این احساس را که داشتم.	مترجم این جمله را ترجمه نکرده است.



نمودار ۱. بسامد گرایش‌های انحرافی شش‌گانه

۴. نتیجه‌گیری

منظرگاه نقد ترجمه‌ای آنتوان برمن در یکی از فعال‌ترین نظریه‌ها برای نقد ترجمه است. از این روی، با بررسی شش مورد از شبکه تحریفی برمن در ترجمه احمد موسی از رمان چشم‌هایش وفادار به متن اصلی بوده است. بسیاری از عبارات ترجمه‌شده در نگاه نخست درست به نظر می‌رسد، لکن با اعمال نظریه برمن و کاوش بیش‌تر میزان انحرافات و کژکاردهای مترجم از متن مبدأ مشخص شد.

با بررسی بسامد فراوانی گرایش‌های انحرافی ترجمه‌ای در ترجمه عربی احمد موسی و هم‌چنین با ارائه جدول‌ها و نمودار از اطلاعات به دست آمده می‌توان گفت:

۱. در بین هفت مؤلفه کاربردی به‌ترتیب غنازدایی کمی و غنازدایی کیفی فراوانی بیش‌تری از سایر گرایش‌ها در ترجمه احمد موسی از ترجمه رمان چشم‌هایش داشتند. این امر حدی از فاصله معنایی بین متن اصلی و ترجمه را به وضوح نشان می‌دهد؛

۲. مترجم از گرایش تفاخرگرایی در امان نمانده است. این گرایش به نحوی به بازآفرینی زیبایی‌شناختی مترجم برمی‌گردد و حاکی از آن است که مترجم در پی دستیابی به صورتی زیبا در ترجمه و تسلیم سلیقه خوانندگان مقصد بوده است. فرایند تفاخرگرایی و اظناب هردو تقریباً به‌طور یک‌سان جزء موارد انحرافی در ترجمه احمد موسی‌اند. این دو مؤلفه در شفاف‌سازی متن مبدأ نیز تأثیر گذاشته است؛

۳. مترجم به دلیل تفاوت‌های ساختاری دو زبان فارسی و عربی در جملات ناگزیر از عملکرد منطقی‌سازی بوده است. مترجم در مواردی غیر ضروری دست به شفاف‌سازی متن مقصد در ترجمه زده است که بهتر می‌بود از آن پرهیز کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. احمد موسی (۱۹۷۳) استاد زبان و ادب فارسی و عضو گروه علمی زبان‌های شرقی در دانشگاه شعیب الدکالی مغرب است. او از معدود نویسندگان و مترجمان عرب است که در ترجمه و تألیف کتاب که در ترجمه و تألیف کتاب در حیطه ادبیات معاصر ایرانی قلم زده است. موسی تحصیلات دانشگاهی کارشناسی ارشد و دکتری‌اش را در دانشگاه تهران در رشته زبان و ادبیات فارسی به پایان رساند. وی تاکنون تعدادی از داستان‌ها و رمان‌های ایرانی و کتاب‌های ادبی از جمله مجموعه داستان‌های *آب‌شوران* علی‌اشرف درویشیان، *سمنونی مردگان* عباس معروفی، *ملکوت بهرام صادقی*، *پیش‌گامان داستان کوتاه معاصر فارسی* مهدی یزدانی خرم، و نیز گزیده‌ای از سروده‌های سهراب سپهری را به زبان عربی برگردانده است. ترجمه گلچینی از بهترین داستان‌های کوتاه ایرانی از مشهورترین داستان‌نویسان ایرانی هم‌چون جمال‌زاده، صادق هدایت، جلال آل‌احمد، و بهرام صادقی از دیگر کارهای در دست اقدام احمد موسی است.
2. «rationalisation déformée l'original en inversant sa tendance de base (la concrétude) et en linéarisant ses arborescences syntaxiques».
3. « 'clair' ce qui n'est pas clair ou ce que le texte dans l'original a calculé en sous entendu ».
4. « C'est le sommet de la traduction platonicienne, L'esthétique vient ici compléter la logique de la rationalisation: rendre le discours tout beau ». Berman considère que chez les classiques français, cet ordre était très courant ».
5. « Il renvoie au remplacement des termes, expressions, tournures, etc. de l'original par des termes, expressions, tournures qui n'ont ni leur richesse sonore, ni leur richesse signifiante ou iconique comme les mots allusifs ou les métaphoriques ».
6. « Il s'agit de la déperdition lexicale. Dans la prose existe la prolifération de signifiants et de chaînes (syntaxique) de signifiants. Si la traduction ne rend pas l'image des signifiants non fixés, le texte traduit en quantité sera reconnu pauvre ».

کتاب‌نامه

احمدی، محمدرحیم (۱۳۹۲)، «آنتوان برمن و نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه؛ معرفی و بررسی قابلیت کاربرد آن در نقد ترجمه»، *مجله نقد زبان و ادبیات خارجی*، ش ۱۰.

- برمن، آنتوان (۲۰۱۰)، *الترجمة والحرف أو مقام البعد*، ترجمه عزالدین الخطابی، مراجعة جرج كتورة، بيروت: المنظمة العربية للترجمة.
- پاشایی، محمد (۱۳۹۴)، «بررسی روایت در رمان چشم‌هایش از دیدگاه ژرار ژنت»، *مجله زبان و ادب فارسی* (نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز)، س ۶۸، مسلسل ۲۳۱.
- زنده‌بودی، مهران (۱۳۹۰)، «از خود و دیگری و گرایش‌های تحریفی در گفت‌مان ترجمه‌شناختی آنتوان برمن تا ترجمه‌ناپذیری»، *مجله مطالعات ترجمه*، دوره ۹، ش ۳۴.
- علوی، بزرگ (۱۳۹۳)، *چشم‌هایش*، تهران: نگاه.
- فرهادی، محمد، سیدمحمود میرزایی‌الحسینی، و علی نظری (۱۳۹۶)، «نقد و بررسی اطناب و توضیح در ترجمه صحیفه سجادیه براساس نظریه آنتوان برمن (مطالعه موردی: ترجمه انصاریان)»، *دوفصل‌نامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، س ۷، ش ۱۷.
- لطفاتی، رؤیا (۱۳۹۲)، «ترجمه، مرکب سفر به دیگرسو»، *مجله پژوهش ادبیات معاصرجهان*، دوره ۱۸، ش ۱.
- لغت‌نامه* (۱۳۷۷)، به‌کوشش علی‌اکبر دهخدا، ج ۱ و ۳، تهران: دانشگاه تهران.
- ماندی، جرمی (۱۳۸۹)، *درآمدی بر مطالعات ترجمه*، ترجمه الهه ستوده و فریده حق‌بین، تهران: نشر علم.
- ملیود، بوخال (۲۰۱۷)، «نقد الترجمات عند أنطوان برمان»، *مجله آفاق للعلوم*، ش ۸، ج ۱.
- موسی، احمد (۲۰۱۴)، *عیناها*، ترجمه روایت چشم‌هایش، مراجعة زبیده اشکنانی، المغرب: مكتبة مؤسسة عبدالواحد القادری.
- مهدی‌پور، فاطمه (۱۳۸۹)، «نظری بر روند پیدایش نظریه‌های ترجمه و بررسی سیستم تحریف متن، از نظر آنتوان برمن»، *کتاب ماه ادبیات*، ش ۴۱.
- نیومارک، پیتر (۱۳۷۲)، *دوره آموزش فنون ترجمه*، ترجمه منصور فهیم و سعید سبزیان، تهران: رهنما.

- Baker, Mona (1996), *Corpuse-Based Translation Studies, The Challenges that Lie Ahead*, Harold Somers (ed.), LSP and Translation, Amsterdam: John Benjamins.
- Berman, Antoine (1992), "The Experience of the Foreign: Culture and Translation in Romantic Germany", S. Heyvaert (trans.), United States: State University of New York Press.
- Berman, Antoine (1994), *L'Épreuve de L'Étranger: Culture et Traduction dans L'Allemagne Romantique*, Gallimard: Paris .
- Berman, Antoin (1999), *La Traduction et la Lettre ou L'auberge du Lointain, Les tours de Babel*, Seuil: Paris.
- Berman, Antoine (2000), "Translation and the Trials of the Foreign, translated by Lawrence Venuti", *The Translation Studies Reader*, London: Routledge.
- Guidère, Mathieu (2008), *Introduction a la Traductologie*, Bruxelles: De Boeck.
- Haddadian-Moghaddam, Esmaeil (2014), *Literary Translation in Modern Iran: A Sociological Study*, Amsterdam and Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
- Massardier-Kenny, Françoise (2010), "Antoine Berman's Way-Making to Translation as a Creative and Critical Act", *Journal Translation Studies*, vol. 3, no. 3.